

به نام خدا

باغ دل

(دیوان اشعار)

اثر : تات طالقانی

سرشناسه : گلبابایی، محب‌الله، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور : باغ دل / اثر تات طالقانی.
مشخصات نشر : تهران : انستیتو ایران، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۲۸۸ ص.
شابک : ۷۵۰۰۰ ریال : ۷-۲۵-۲۰۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : چاپ قبلی: بهینه، ۱۳۷۸.
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع : شعر مذهبی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره ل ۱۳۸۹ ب ۲۳۵ ج ۱۹۲ / PIR
رده بندی دیویی : ۸۱۶ / ۴۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۵۸۲۲۴

- ❑ نام کتاب: باغ دل (دیوان اشعار)
❑ اثر: محب ا... گلبابایی (تات طالقانی)
❑ نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۸۹
❑ شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
❑ قیمت: ۷۵۰۰ تومان
❑ شابک: ۷-۲۵-۲۰۱-۹۶۴-۹۷۸
❑ ناشر چاپ: علی نورا... اوغلی
❑ طراح جلد: نوید اندرودی

کلیه حقوق قانونی و شرعی برای ناشر محفوظ است.
تکثیر تمام یا قسمتی از این اثر بصورت حروفچینی و چاپ مجدد، چاپ افست، پلی کپی
فوتوکپی و انواع دیگر چاپ ممنوع است. نقل مطالب به صورت معمول در مقاله های
تحقیقاتی با ذکر نام کامل ناشر و کتاب آزاد است.
تهران، میرداماد، خیابان شهید حصار، شماره ۳۶ تلفن: ۲۲۲۵۴۰۷۸
books@isiran-net.com moheb_tat@yahoo.com

مراکز فروش در تهران

- ۱- خیابان میرداماد- خیابان شهید حصار (ارازان جنوبی) پ ۳۶ فروشگاه کتاب هداوندی ۲۲۲۲۹۹۵۸
۲- خیابان انقلاب- روبروی درب اصلی دانشگاه تهران- فروشگاه به نشر (آستان قدس رضوی) ۶۶۴۰۱۵۴۳

نمایندگان پخش

۲۱-۲۲۵۲۰۷۰۲	پخش اشجع	۲۱-۲۲۲۲۹۹۵۸	پخش هداوندی
۲۱-۶۶۴۱۵۰۴	رسا	۲۱-۶۶۴۱۳۰۸۲	زین مهر
۲۱-۸۸۲۰۰۹۷۲	مرکز تحقیقات صنعتی	۲۱-۶۶۴۰۱۵۲۳	به نشر آستان قدس
۲۱-۶۶۴۹۴۴۳۰	آیلار	۲۱-۶۶۵۶۹۸۸۱	سها دانش
۲۱-۲۲۱۷۰۰۰	رشد افروز	۲۱-۸۸۹۴۰۳۰۳	پکتا
۱۷۱-۲۲۳۶۰۰۳	دانشجو گرگان	۲۱-۶۶۴۶۰۹۳۲	انتشارات آگاه
۱۳۱-۲۲۲۲۴۸۸	مهران رشت	۲۱-۸۸۹۷۲۳۳۴	آریا پژوه
		۲۱-۶۶۹۷۳۱۷۵	مهربان

www.iiketab.com
www.iiketab.com

فروش اینترنتی
www.isishop.ir

www.tebyan.net
www.book24.ir

کلیات اشعار

از عرش شنیدم ز سروش این سخن ناب

جز عاشق دل باخته اُسطوره نگردد

سروده های باغ دل از عنایات ربّ متعال بر تات است . این اثر به روان های پاک هفت اُسطوره ی سرزمین طالقان تقدیم می گردد :

- ✓ صالح ابری (اهل یقین ، صاحب کرامات و مقرب درگاه ایزد مَنان)
- ✓ صاحب ابن عبّاد (نخست وزیر دانشمند و کتاب گستر ، مجهز به کتابخانه ی سیار بر پشت قطاری از شتران در فلات پهناور ایران)
- ✓ درویش عبدالمجید مهرانى طالقانى (خطاط مشهور دوران سلسله ی صفویه و طراح خط شکسته ی نستعلیق)
- ✓ درویش خان (آهنگساز کم نظیر ، نوازنده ی بزرگ و استادِ استادانِ موسیقی اصیل ایرانی)
- ✓ سردار دکتر حشمت (آزادی خواه بزرگ دوران جنگ جهانی اول ؛ ناجی آزادی خواهان مجروح ؛ یار و هم رزم میرزا کوچک خان و مفکر متفکر نهضت جنگل)
- ✓ جلال آل احمد (روشن فکر و نویسنده ی مبارز ، متعهد و انقلابی)
- ✓ آیت ا... سید محمود طالقانی (آزادی خواه بزرگ دوران سلسله ی پهلوی ؛ مفسر کبیر قرآن مجید ؛ بزرگ پرچمدار دین مبین اسلام ؛ مبارز و مجاهد نستوه)

تقدیر و تشکر

ضمن قدردانی و تشکر از تمام عزیزانی که به مناسبت های مختلف مرا در انتشار این اثر یاری نموده اند ، امیدوارم با دعای خیر حقیر و خوانندگان مشتاق ، همواره رحمت و شفقت خداوند نصیبشان شود :

الف - همسر عالیقدر ، صبور ، شکوبا و مهربانم که با ایجاد آرامش خاطر ، زمینه ی خلوت گزیدن برای سرودن اشعار باغ دل را فراهم نموده است .

ب - جناب آقای مهندس مصطفی میراسلامی قائم مقام محترم مدیرعامل انستیتو ایزایران که از چاپ این اثر پشتیبانی کرده است .

ج - کارشناسان محترم بخش انتشارات انستیتو ایزایران که در فرآیند چاپ کتاب همکاری داشته اند:

آقایان وحید فیضی ، علی نورا... اوغلی ، محسن محمد صادقی ، نوید اندرودی ، سید پدram جوهری ، محمود پارساپور و سرکار خانم سمیرا توکلی

د - برادر ارجمندم آقای مهندس غفور گلبابائی و پسر برومندم آقای مهندس سینا گلبابائی که در تهیه و تدارک و تنظیم تصاویر جلد کتاب باغ دل ، همکاری نموده اند .

ه - کارکنان محترمی که لیتوگرافی ، چاپ و صحافی کتاب را بر عهده داشته اند.

فهرست

صفحه	عنوان
۶	کلام آغازین
۷	پیش گفتار
۲۳	باغچه ی اول (پرستش پروردگار)
۴۳	باغچه ی دوم (بزرگان ادیان)
۶۳	باغچه ی سوم (عشق و عرفان)
۲۰۷	باغچه ی چهارم (پند و اندرز)
۲۳۵	باغچه ی پنجم (جلوه های طبیعت)
۲۶۵	باغچه ی ششم (میهن پرستی)
۲۷۹	باغچه ی هفتم (سایر اشعار)
۲۸۷	راهنمای مراجعه به اشعار

کلامِ آغازین

به نام آنکه اُستادِ اَزَل اوست	به یکتائی که عارف گویدش دوست
به نام آنکه گیتی آفرین است	خداوندی که با هستی قرین است
به نام آنکه عالمِ محضِ اوست	جهان و کهکشان ها اخضرِ اوست
به نام آنکه رَبِّ العالمین است	حکیمِ آسمان ها و زمین است
به نام آنکه ذاتش بی نیاز است	خلایق را بر او ، غرقِ نیاز است
به نام آنکه بینا و حلیم است	به اعمالِ همه عالمِ علیم است
به نام آنکه دارا و کریم است	به هر جُنبنده ی عالمِ رحیم است
به نام آنکه دانا و بصیر است	به هر درمانده ی عالمِ نصیر است
به نام آنکه ستّاراست و قهّار	عزیز و قادر و رحمان و غفّار
به نام آنکه بر بی جان دهد جان	خدای بی شریک و حیّ سُبْحان
به نام آنکه انسان آفریده است	ملائک را نگهبان آفریده است
به نام آنکه قرآن را فرستاد	چراغِ دین و ایمان را فرستاد
به نام آنکه نقشی بر جهان داد	عنایت کرد و بر انسان زبان داد
به نام آنکه برمن گفتن آموخت	برای باغِ دل ، بنوشتن آموخت

به نام آنکه از جان دارمش دوست

حبیبِ تات مسکین در جهان اوست

پیش گفتار

فرزندی از سرزمین کوهستانی طالقانم که هزار سال پس از ولادت
بابا طاهر عریان در روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۲۶ در روستای
روشنابدر دیده به جهان گشوده ام .

زمین گوی و رها در آسمان است بر آن البرز چون طوقی عیان است
چونیکو بنگری این طوق رخشان نگینش سرزمین طالقان است
سرای عالمان و حاذقان است

جایگاه قلعه ی بلند قامت و سرافراز پالیس (قَلَه) که مورخان
آن را از بزرگترین پشتیبانان قلعه ی الموت در روزگاران گذشته
می دانند ؛ بین دو روستای روشنابدر (زادگاه تات طالقانی) و شهراسر
(زادگاه سردار دکتر حشمت) قرار گرفته و چشم انداز بدیع و با
شکوهی را برای اهالی روستاهای این ناحیه از طالقان ، پدید آورده است .

قلعه ی پالیس بشد پاسبان سر بکشانید سوی آسمان
تا که پلیدان جهان بی گمان اسب نتازند سوی طالقان
نعلش مغول داده به چنگیز خان

زیباتر از آن ، جلال و جبروت رود طالقان است که از کوه های
سر به فلک کشیده ی البرز مرکزی سرچشمه گرفته و سراسیمه از سمت
بالا طالقان به سوی روستاهای میان طالقان می شتابد تا سدّ را لبریز کند :

آب سدّ طالقان گردد گلاب گر در آن اُفتد گلِ رُخسار دوست

این رودِ سرکش در سدّ تاب نیاورده و از زیر آن نفوذ می کند ؛
تشکیل رود زلال کوچکی داده به زیارت قلعه ی پالیس می شتابد ؛
پایه های قلعه را بوسه باران می کند ؛ به اهالی روستای روشنابدر سلام
می گوید و آب درّه ی این روستا را با خود می برد ؛ پایه های قلعه را طواف
می نماید ؛ از راه دور به اهالی روستای کش سلام کرده و آب صاف رود
کش (خوش آب رود) را با خود همراه می نماید ؛ آخرین بوسه ها را بر
باقیمانده ی پایه های قلعه می نوازد ؛ در پای روستای شهراسر با اهالی
احوالپرسی کرده و آب درّه ی آنجا را نیز به همراهی می پذیرد ؛ با قلعه
بدرود می کند و به دیدار روستاهای پائین طالقان می شتابد ؛ پس از جمع
آوری آب های سایر روستاها ، سرانجام با عبور از مقابل روستای پرگه و
خروج از طالقان با رود الموت متحد شده با نام شاهرود ، رودبار الموت
را طی کرده در سدّ منجیل به قزل اوزن می پیوندد و با نام سفید رود
خود را به دریای خزر می رساند .

روستائی درجهان ما را بس است آب رودِ طالقان ما را بس است
از تمام چشمه های این جهان چشمه ی داودمیان ما را بس است
زندگی با صادقان ما را بس است

دوران کودکی را با دنیائی از خاطرات شیرین و فراموش نشدنی در دامن طبیعت بکر و بی نظیر طالقان گذرانده ام و با فرهنگ آن دیار مأنوس می باشم .

زمین طالقان پُر کوه و سنگ است به هر کوهی بزو خرس و پلنگ است
به هر صخره عقاب و کرکس و قوش به هر صحرا بسی مرغان شنگ است
طبیعت ناب و زیبا و قشنگ است

به زبان محلی طالقانی ها (تات) تسلط کامل دارم و به آن عشق می ورزم . نامم در شناسنامه محب الله (دوستدارنده ی خدا) است
ولی اهالی زادگاهم مرا یزدان صدا می زنند .

در سجودش سر به خاکم تا ابد از برایش سینه چاکم تا ابد
گرچه می خوانند یزدانم مرا بنده ی یزدان پاکم تا ابد
صاف تر از خون تاکم تا ابد

تحصیلات دوره ی ابتدائی را با دنیائی از شور و شوق در دبستان روستای مجاور زادگاهم (شهراسر) با رتبه های ممتاز در محضر آموزگار دلسوز (آقای حاجی عبدالعلی تاج الدینی) ، طی کردم .

هر که در دنیا شود آموزگار مشعلی باشد برای روزگار
خلعت آموزگاری خواهم تا برافروزم چراغ کردگار
حاصل دانش بماند ماندگار

عاشق درس بودم ولسی نبود امکانات آموزشی در روستا و نداشتن سرپرست در شهر ، موجب شد مدت دوسال و دوماه از ادامه ی تحصیل بازایستم . در این دوران برزخ ، بارها در خلوت اشک ریخته و دعا کردم که شرایط ادامه ی تحصیل برایم فراهم شود . ربّ متعال دعایم را اجابت فرمود و ادامه ی تحصیل میسر گردید . در دبیرستان های شفق و امیرکبیر تهران ، تحصیلات دوره ی متوسطه را با رتبه های ممتاز به پایان رساندم .

چراغ راه هرکس دانش اوست بُود دانش کسان را بهترین دوست
در عمرت تا توانی دانش اندوز که بر امروز و فردای تو نیکوست
کسان را علم جوئی بهترین خوست

در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی ، پس از اخذ دیپلم ریاضی وارد دانشگاه صنعتی شریف شدم و از محضر استادان برجسته ، بهره های فراوان بردم . در حین تحصیل به عنوان دبیر ریاضی در دبیرستان های شفا ، دیانت ، انوری و آموزشگاه های گلرنگ و مزیدی تدریس نمودم . در سال ۱۳۵۲ از دانشکده ی ریاضی و علوم کامپیوتر (آن زمان) ، لیسانس مهندسی علوم کامپیوتر دریافت نمودم . خدمت نظام وظیفه را در شهرهای اصفهان و اهواز انجام داده و از سال ۱۳۵۴ تاکنون در زمینه های مهندسی نرم افزار سیستم ، مدیریت امور انفورماتیک ، تدریس انواع دوره های آموزش فناوری اطلاعات ، خدمات مشاوره ی فنی ، کارشناس علوم رایانه در رسانه ی ملی (صدا و سیما) ، تألیف ، ویرایش و انتشار جزوات و

کتاب های فنی ، مهندسی و مدیریتی انجام وظیفه نموده ام . مدیر مسئول انتشارات انستیتو ایزایران با پروانه ی نشر شماره ی ۳۶۶۷ می باشم که از آن برای انتشار کتاب های آموزشی در زمینه های علوم رایانه ای و مدیریت استفاده می شود.

بنازم آنکه با ما هم قسم شد به راه نشر دانش هم قدم شد
برای انتشار دانش روز بسی بنوشت و از اهل قلم شد
چراغ روشن راه عجم شد

سفری به انگلستان داشته ام و در مؤسسه ی آموزشی معروف و معتبر جهانی هاوسکینز (Hoskyns) ، دوره های تخصصی سرپرستی و مدیریت مراکز رایانه ای و فناوری اطلاعات را با موفقیت طی کرده ام که یکی از ثمره های آن ، تألیف کتاب " نقش مدیریت در خدمات کامپیوتری " می باشد .

گهر برتر از دانش روز نیست خطر جانب دانش اندوز نیست
به این و به آن گر دهد دانشش فزون گردد و اندکی سوز نیست
چو دانش طلب هیچ بهروز نیست

تألیفاتم عبارتند از :

الف - جزوه های آموزش فناوری اطلاعات

✓ برنامه نویسی به زبان اسمبلر (MACRO-11) مربوط به

کامپیوترهای PDP-11

✓ کاربرد کامپیوتر در صنعت

✓ برنامه نویسی پیشرفته به زبان اسمبلر کامپیوترهای هانیول

(EIS)

✓ برنامه نویسی پیشرفته به زبان GW-BASIC

✓ سرپرستی عملیات مرکز کامپیوتر

✓ مدیریت عملیات کامپیوتر

✓ مدیریت مرکز اطلاعات

✓ گواهینامه ی بین المللی کاربری کامپیوتر (ICDL)

به دانش بیابی درون و نهان را گدایت کنی خیل شاهنشهان را

جهان قفل مرموز و دانش کلید به دانش گشائی رموز جهان را

نمائی رهی نو همه گمراهان را

ب- کتاب های فنی و مهندسی

✓ ۱۰۱ برنامه GW-BASIC

✓ ۱۰۱ برنامه Turbo Pascal

پیش گفتار

- ✓ ۱۰۱ برنامه Turbo C++
- ✓ آشنائی با کامپیوتر و کاربردهای آن
- ✓ آموزش جامع زبان برنامه نویسی QBASIC مقدماتی
- ✓ آموزش جامع زبان برنامه نویسی QBASIC پیشرفته
- ✓ آموزش جامع سیستم عامل MS-DOS
- ✓ پرسش های چهار گزینه ای زبان برنامه نویسی C
- ✓ آموزش Calc (open source) EXCEL
- ✓ نقش مدیریت در خدمات کامپیوتری

هر که از دریای دانش نوش کرد ایده ای نو را به هوش آغوش کرد
وانکه طرح و راه کار نو بخواست علم روز و درس نو را گوش کرد
فکر بکر از عمق مغزش جوش کرد

چهل کتاب علوم رایانه ای و مدیریتی را برای نویسندگان و مترجمین آنها ویرایش فنی کرده ام و نام اینجانب در شناسنامه های آن کتاب ها آمده است ؛ همچنین در پیش گفتار بیش از هفتاد عنوان کتاب به مناسبت راهنمایی ها یا مساعدت هائی که به پدید آورندگان آنها داشته ام ، از این حقیر قدردانی شده است .

شاید بپرسید این تألیفات چه ربطی به ادبیات فارسی یا شعر و شاعری شما دارد ؟. پاسخ این است که عنایات خداوند کریم همواره شامل

باغ دل (دیوان تات طالقانی)

حال این حقیر بوده و از کودکی قریحه ی شاعری را در کنار استعداد
ریاضی همراه داشته ام .

ضمیرم را چو طاهر آفریدند ریاضی دان به ظاهر آفریدند
عنایت بین که در ظرف ریاضی سخن پرداز ماهر آفریدند
منظم گوی ساحر آفریدند

از آنجائی که نامم محب الله و زبان مادریم تات است با دو
تخلص " تات " و " مُحَب " شعر می سرایم :

عاقبت آن دلبرِ لیلی تبار تات را مجنون ثانی می کند

آنچنان کن ای مُحَب تا قدسیان از شعف در عرش دست افشان کنند

با غزلیات حافظ و دوبیتی های طاهر، مأنوس می باشم و نکات
مهمی را از آن بزرگواران آموخته ام . اکثر سروده هایم در قالب غزل ،
قصیده ، دوبیتی و تک بیتی می باشد و از سبک و سیاق روان و خاصی
برخوردار بوده و برای همه ی فارسی دانان جهان ، قابل فهم است :

تات از حافظ بیاموزد ولی طوطی آموزد سخن گفتن ز تات

هزاران بلبل و طوطی بمردند ز خاکش تات و طاهر آفریدند

سبب تألیف باغ دل چیست ؟

تا جایی که به یاد دارم و نزدیکانم نیز شاهدند ، در گذشته برایم مجالی نبوده زیرا علاوه بر انجام کارهای کارشناسی ، مدیریتی ، فرهنگی یا مشاوره ی فنی ، همواره در حال خودآموزی تازه های دانش و فناوری انفورماتیک و یاد دادن آنها به مشتاقان بوده و فرصت سروسامان دادن اشعارم را نداشته ام.

با عنایات ربّ متعال ، بیش از بیست هزار ساعت کلاس های درس با موضوعات مختلف از فناوری اطلاعات برگزار کرده ام که همگی آنها بسیار با جاذبه بوده و آنچنان مورد تحسین مسئولین و دانشجویان قرار گرفته که مصداق بیت زیر است :

کعبه ی عُشّاق باشد هر کلاس گر مُحِب استاد درسی باشدش

فروردین سال ۱۳۷۷ هجری شمسی ، سرآغاز فصل جدیدی در زندگی من است . در یکی از روزهای تعطیلات نوروز آن سال ؛ پسرعمه ام (هوشنگ گرشاسبی) که طبع شعر دارد و غزلیاتی نیز سروده است ، برای دید و بازدید عید نوروز به خانه ی ما آمدند و با احساسات کم نظیری از

سروده های جدیدم جویا شدند و پرسیدند سروده ی تازه چه دارید ؟. یکی از سروده هایم را خواندم . آن عزیز توصیه کردند حتماً بخشی از اوقاتم را وقف ادبیات فارسی کنم . یقین دارم هوشنگ را خدا فرستاده بود تا سبب تألیف باغ دل شود . از آن زمان شعرهای دوبیتی خود را جمع آوری ، تکمیل و تنظیم کردم و در سال ۱۳۷۹ منتشر نمودم . وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تعداد هفتصد جلد آن را در کتابخانه های کشور پخش کرد . پس از آن با دعای خیر خوانندگان و دانشجویان کلاس های درس؛ دوبیتی ها ، تک بیتی ها ، غزلیات و قصیده های جدیدی از درگاه ربّ متعال عنایت شد که در کتاب حاضر آنها را می خوانید .

ای کاش بعد مرگم از من اثر بماند چون میوه دار زیبا از من ثمر بماند
باغ دلی بسازم از پند و عشق و عرفان باشد که تا قیامت از من گهر بماند

مجموعه ی سروده هایم از دل برآمده و ناخودآگاه واژه های دل ، دلبر ، دلدار ، دلبنده ، دلداد ، دلربا ... به وفور در آنها بکار رفته است ؛ به همین دلیل ، عنوان " باغ دل " را برای دیوان اشعارم برگزیده ام .
باغ دل ، دردمندان را به راه دلپذیر عاشقان و صالحان رهنمون می شود ؛ بذر شادی را در دل ها می پاشد و نهال عشق پاک را در روح ها می رویاند .

پیش گفتار

هر که شعر باغ دل را فهم کرد روح را آسوده از هر وهم کرد
ربّ به روحش چون مُحَبّان بنگرید باغ طوبی را برایش سهم کرد

باغ دل ، سرای خوبان است و شیاطین را در آن جایگاهی نیست :

آتش شیطان مپرو در هوای باغ دل

باد اگر با شعله رقصد ، باغ خاکستر شود

با راهنمایی خویشاوند عزیزم آقای محمدعلی آقارفعی ؛ باغ دل
را در هفت باغچه ارائه نموده ام .

خوشا آنان که فخر روزگارند در این دار فنا پرهیزگارند
چو مردان ادیب طالقانی کسان را هادی و آموزگارند
مُرید و مخلص پروردگارند

در این جا شما خوانندگان عزیز را با عناوین باغچه ها و نمونه هائی
از شعرهای هر باغچه آشنا می کنم :

باغچه ی اول : پرستش پروردگار

راهِ پاکان

رَه خود را ز ناپاکان جدا کن نظر نه بر رَه شه نه گدا کن
قدم زن در رَه پاکان و نیکان به هر منزل توکل بر خدا کن

باغ دل (دیوان تات طالقانی)

شبانگاهان به هنگامِ دعایت	به روی جامه ی پاکی ردا کُن
سحرگاهان نمازی را به پا دار	دعاهای مُحَبَّان را ادا کُن
برای فیض کامل از عبادت	به گُمنامان صالح اقتدا کُن
همانند حبیبان گاه و بیگاه	ضمیرت را مهیای ندا کن
به هر جا و به هر کار و به هر حال	وجودت را به راهِ حقّ فدا کُن

بسی شب ها بسان تات مسکین

ملائک را سحرگاهان صدا کُن

باغچه ی دوم : بزرگان ادیان

بت شکن

بُت شکن باش و رها کُن بیم را	در هراس آور دل دژخیم را
چون کریمِ مُطلقِ عالمِ خداست	از خدا درخواست کُن تکریم را
دست آزادی ببندد سیم و زر	پس بزن ملک و طلا و سیم را
چون بسی سست است بنیان جهان	جز به درگاهش مجو تحکیم را
گر خدا خواهد بیابان برگزین	با گلیمِ خود ببر جاجیم را
چون بدان تسلیمِ اهریمن مشو	غیرِ سوی حقّ مبر تسلیم را
خالق اسماعیل و اسحاقی دهد	هاجر و سارای ابراهیم را
بندگی کُن سوی قُربانگه برو	گونه ای دیگر مکن تصمیم را

نصّ قرآن حرف ربّ عالم است

تات برگیرد از آن تعلیم را

پیش گفتار

باغچه ی سوم : عشق و عرفان

حسرت دیدار

به صد خواب و خیال جور واجور	تو را بوسیده این دلدادہ ی کور
نه رمالم نه جادوگر نه ساحر	نه صیادم که هر جا افکنم تور
چرا پنهان در این دنیای فانی	به دل نزدیکی و از دیده ام دور
تو شاه عالمی من زیر پایت	سلیمان گون نظر بنما بر این مور
اگر یک دم بمانی در کنارم	نخواهم بعد مرگم از خدا حور
از آن رُخسارِ مه نوری بتابان	که راه ما شود زان نور پُر نور
دلم خواهد که با چشمم ببینم	جهان آزاد سازی از زر و زور

به ما رُخ برگشا ای ماه تابان

که با حسرت نخواست تات در گور

باغچه ی چهارم : پند و اندرز

الا ای صاحب ملک و زر و زور مبادا پول چشمت را کند کور
زمان باکی ندارد از زر و زور رساند پای هر کس را لب گور

باغچه ی پنجم : جلوه های طبیعت

لطف خدا در بهار

خدا مهر را رَأْس پرگار کرد	فلک را بچرخاند و هموار کرد
زمین را عطا کرد زاینده گی	ز برف و یخ و سوز بیزار کرد
چو نوروز، پیروز آمد پدید	زمین را برقصد و بیدار کرد
طبیعت ز خواب زمستان پرید	بهاران به ما لطف بسیار کرد
به امر خداوند جان آفرین	برای زمین ، ابر ایثار کرد
به لطف و کرم کرد گیتی عروس	همه میوه داران پر از بار کرد
خداوند پُر مهر و لطف و سخا	گلین جامه ای بر تنِ خار کرد
نشد هیچ جاندار از او بی نصیب	لباسِ نوین ، بر تنِ مار کرد

جهان آفرین تات را در بهار

به تحریر صد شعر وادار کرد

باغچه ی ششم : میهن پرستی

مهر ایران

زمین انگشتر و ایران نگین است	سرای خوبِ ما ایران زمین است
ز تار و پود هر هم میهنِ ما	وفا و مهر بر ایران یقین است
تنعم های بی حدّ خدا داد	در ایران از یسار و از یمین است
همه ایرانیان این نکته دانند	که بر ما خصمِ نادان در کمین است

عدو جائی در این وادی ندارد نثارش حمله ی فتح المبین است
به میهن ، دولتی بادا مُبارک که بر فرهنگ ایرانی امین است
برای شُکرِ نعمت با بسی مهر
مرا چون تات مُهری بر جبین است

باغچه ی هفتم : سایر اشعار

هر طیب دل شود از حاذقان گریخواند وصف دل زین عاشقان
حافظ از شیراز و مولانا ز بلخ گنجوی از گنجه تات از طالقان

بابا طاهر عریان در قرن چهارم هجری ، دوییتی زیر را سروده که
تا کنون تفسیر درستی از آن ارائه نگردیده است :

مو آن بحرَم که در ظرف آمدستم مو آن نقطه که در حرف آمدستم
به هر الفی الف قَدّی بر آیو الف قَدّم که در الف آمدستم

امیدوارم تات با ارائه ی دوییتی های زیر ، در قرن چهاردهم
هجری ، پرده از راز دوییتی آن بزرگوار بردارد :

باغ دل (دیوان تات طالقانی)

نبینی تات را طاهر به ظاهر ولی عریان سُراید همچو طاهر
بخوان باغ دلش را تا ببینی خدایش در سرودن کرده ماهر

هزاری بعد طاهر آمدستم قلم افتاده از دستش به دستم
روانم با روانش گشته مأنوس چو طاهر تا ابد شنگول و مستم

سروده های این کتاب شامل غزلیات ، قصیده ها ، دوبیتی ها ، تک
بیتی ها و سایر اشعار حقیر است که براساس تقاضاهای مکرر عزیزان ،
طرفداران و دوستدارانم به چاپ رسانده ام .

نمیرد تات خوشگو بی بهانه بمیرد از غم و درد زمانه
میان صد کتاب و دفتر عشق بماند نام و یادش جاودانه

خواندن سروده های باغ دل را به همه ی فارسی زبانان و
فارسی دانان جهان ، توصیه می کنم .

با کتابم خوش همه اوقات کن هر غریب و آشنا را مات کن
شاد اگر گشتی ز شعر باغ دل در محافل ذکر خیر تات کن

دعای خیر شما خوانندگان عزیز، بدرقه ی راهی باد که در پیش رو

دارم.